

حمید/احمدی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۱/۲۱

فاطمه سر رشته/یزد موسی**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۳/۲۵

چکیده

ایران با کشورهای حاشیه خلیج فارس روابط دیرینه‌ای دارد. این مقاله به روابط ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس با نگاهی متفاوت نگریسته و آن را بر اساس میزان برداشت از میادین مشترک نفت و گاز بین ایران و کشورهای همسایه خلیج فارس بررسی نموده است. مهم‌ترین میادین مشترک نفت و گاز ایران با کشورهای همسایه، میدان پارس جنوبی است، علاوه بر آن ۱۲ میدان دیگر با کشورهای قطر، عمان، امارات متحده عربی، کویت و عربستان وجود دارد. بسیاری از حقوق‌دانان معتقدند مخازن مشترک نفت و گاز حکم مال مشاع را دارد و هیچ‌یک از شرکا نمی‌توانند بدون رضایت شریک، در آن دخل و تصرف کنند. اما تحریم‌ها موجب محدودیت در جذب سرمایه‌گذاری شده است. فرسودگی تجهیزات و فقدان فن‌آوری پیشرفته در صنعت نفت، سبب شده است برداشت ایران از میادین مشترک به پایین‌ترین سطح کاهش یابد. در حالی‌که هیچ‌یک از همسایگان ایران، در جذب سرمایه و فن‌آوری خارجی محدودیتی ندارند، در تمامی میادین مشترک در برداشت از ایران پیشی گرفته و آنها را به صورت ضمنی به حوزه‌های ملی خود تبدیل کرده‌اند.

واژگان کلیدی: ایران، کشورهای حاشیه خلیج فارس، میادین مشترک نفت و گاز، برداشت از میادین مشترک

* استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران

hahmadi@ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات F.izadmoosa@gmail.com

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال بیستم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۲، صص ۳۸ - ۷.

مقدمه

ایران در منطقه خلیج فارس بیشترین مرز دریایی با بیش از ۱۲۰۰ کیلومتر دارد. تمدن و تاریخ کهن، جمعیت بالا، توان نظامی، تسلط بر تنگه هرمز، ذخایر نفت و گاز و تامین امنیت ملی سبب شده است از پتانسیل بالایی در منطقه برخوردار باشد. موقعیت راهبردی ایران در تنگه هرمز و تنها آبراه به دریای آزاد و برتری بالفعل و بالقوه قدرت نظامی ایران موجب توانمندی‌های برتر این کشور در منطقه شده است. در واقع تنگه هرمز تنها آبراه ایران برای صدور نفت و واردات کالا برای ایران و اکثر کشورهای این منطقه است.

از سوی دیگر، کشورهای منطقه خلیج فارس بعد از جنگ جهانی اول و فروپاشی دولت عثمانی به وجود آمده‌اند. برخی از این کشورها فاقد تاریخ، هویت سیاسی و ملی استوار هستند و انسجام اجتماعی و سیاسی لازم را ندارند. اگر تاریخ کشور - ملت این منطقه را مطالعه کنیم، خواهیم دید که اکثریت این کشورها تحت قیمومیت انگلستان بوده و از دهه ۱۹۷۰ به بعد به استقلال رسیده‌اند. اما با اکتشاف نفت و گاز این کشورها در عرصه بین‌الملل اهمیت و جایگاه ویژه‌ای یافتند.

همسایگی این کشورها با ایران، وجود اشتراکات و افتراقات سبب شده است همکاری‌ها و تنش‌هایی در روابط با این کشورها ایجاد شود که همواره دستگاه سیاست خارجی کشورها را مشغول به خود کرده است. اما مواردی در روابط بین ایران و این کشورها مشهود است که موجب واگرایی با درجات متفاوت می‌شود: تضاد مذهبی (شیعه - سنی)، عرب و عجم، صدور انقلاب اسلامی، اختلافات مرزی، اختلافات ایران با غرب و آمریکا بعد از انقلاب اسلامی، مساله هسته‌ای، پیمان‌های دفاعی دوجانبه کشورهای منطقه با آمریکا و غربی‌ها، مساله عراق و سوریه و از همه مهم‌تر برداشت‌های بیش از حد از میادین مشترک نفت و گاز ایران و کشورهای همسایه از جمله این موارد است. برداشت‌های غیرمنصفانه این کشورها که بحث اصلی این مقاله است، از مهم‌ترین عواملی است که سبب واگرایی در روابط ایران و همسایگان جنوبی خلیج فارس شده است.

در این مقاله ضمن بررسی وضعیت ذخایر نفت و گاز خلیج فارس و ذخایر و تولید نفت و گاز ایران، به تعداد میادین مشترک ایران و کشورهای همسایه و میزان برداشت هریک از کشورها

اشاره می‌شود. همچنین موضوع میادین مشترک نفت و گاز از منظر حقوق بین‌الملل، موافقت‌نامه‌های دوجانبه تحدید حدود کشورهای ساحلی خلیج فارس و اشکال موافقت‌نامه‌های تحدید حدود میادین مشترک نفتی در خلیج فارس مورد بررسی قرار می‌گیرد. به سوال اصلی مقاله آن است که چرا ایران با توجه به میادین مشترک نفت و گاز، با کشورهای حاشیه خلیج فارس توان بهره‌برداری کافی را ندارد؟ در پاسخ این فرضیه ارایه می‌شود که محدودیت‌های ایران در حوزه انرژی (نفت و گاز) سبب شده است کشورهای همسایه حاشیه خلیج فارس از میادین مشترک نفت و گاز ایران برداشت بیشتری داشته باشند و حقوق و منافع ملی ایران را نادیده بگیرند.

موقعیت و اهمیت منابع نفت و گاز خلیج فارس

خلیج فارس با هشت کشور ساحلی ایران، عراق، کویت، عربستان سعودی، عمان، قطر، بحرین و امارات متحده عربی از دهانه اروندرود تا تنگه هرمز ۶۱۵ مایل (۹۸۹ کیلومتر) طول دارد و عرض پهن‌ترین قسمت آن به ۲۱۰ مایل (۳۳۶ کیلومتر) و باریک‌ترین قسمت آن در تنگه هرمز ۳۵ مایل می‌رسد. آب‌های خلیج فارس به‌طور تقریبی کم‌عمق و دارای متوسط عمق ۹۰ متری می‌باشند. از آنجا که عرض خلیج فارس در هیچ نقطه‌ای به بیش از ۴۰۰ مایل دریایی نمی‌رسد، تمام فلات قاره این پهنه آبی در محدوده صلاحیت ملی کشورها قرار داشته و بیشتر کشورهای ساحلی دارای فلات قاره مشترک هستند. بنابراین می‌توان گفت که بستر و زیر بستر دریا در خلیج فارس تداوم طبیعی سرزمین اصلی کشورهای ساحلی بوده و فلات قاره آنها را تشکیل می‌دهد. از سوی دیگر، غنی‌ترین ذخایر نفت و گاز جهان در خلیج فارس واقع شده‌اند؛ بزرگ‌ترین میدان نفتی جهان یعنی السفانیه، متعلق به عربستان سعودی و بزرگ‌ترین میدان گازی جهان یعنی پارس جنوبی متعلق به ایران در فلات قاره خلیج فارس قرار دارد. از حیث مساحت فلات قاره، خلیج فارس دارای رتبه اول جهان است. (نوازی و نجومی، ۱۳۸۷، ۱۶۳) خلیج فارس ۶۰ درصد کل ذخایر نفت جهان را در خود جا داده و از نظر حقوقی بر اساس ماده ۱۲۲ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، مصداق دریای نیمه‌بسته است؛ زیرا از طریق تنگه هرمز به دریای آزاد متصل می‌گردد.

وضعیت ذخایر و تولید نفت و گاز ایران

ایران تنها کشور دنیاست که حجم ذخایر نفت و گاز تقریباً متناسبی دارد؛ یعنی حجم هردو ذخایر نفت و گاز ایران در سطح جهانی بسیار بالاست، درحالی که در دیگر کشورهای دارای ذخایر هیدروکربنی، به طور معمول حجم یکی از ذخایر نفت یا گاز با یکدیگر بسیار متفاوت هستند. برای مثال روسیه که مقام نخست ذخایر گاز جهان را در اختیار دارد، از نظر حجم نفت در مقام هشتم دنیاست و عربستان نیز با در اختیار داشتن مقام نخست ذخایر اثبات شده نفت، ذخایر گاز طبیعی فراوانی ندارد. قطر نیز عمدتاً یک کشور دارای ذخایر گازی قابل توجه است.

تناسب ذخایر نفت و گاز ایران این مزیت را دارد که در پایه‌ریزی سیاست مصرف انرژی در داخل و خارج از کشور امکان انتخاب بالایی به مسئولان امر می‌دهد. سیاست جایگزین‌سازی مصرف گاز در داخل به جای مصرف نفت، در همین راستا تدوین شده است. از سوی دیگر ایران قادر است با تزریق حجم بالایی از گاز استخراج شده به میدان‌های نفتی قدیمی، روند افت تولید این میادین را کاهش دهد.

در حال حاضر در ایران بیش از ۳۰ منطقه نفت‌خیز وجود دارد که عمدتاً در غرب و جنوب کشور واقع شده‌اند. میدان‌های نفتی ایران را می‌توان در سه حوزه طبقه‌بندی کرد:

الف. حوزه نفتی جنوب که بخش اعظم آن در استان خوزستان و فلات قاره خلیج فارس است؛

ب. حوزه نفتی غرب که بخش اعظم آن در استان کرمانشاه است؛ و

ج. حوزه نفتی پراکنده کشور که میدان‌های نفتی در البرز، سراج، ساوه، اردستان، سمنان، اصفهان، آبد، سیاکوه و کاشان را دربر می‌گیرد. (میرترابی، ۱۳۸۹، ۲۶۵)

ایران از نظر ذخایر اثبات شده نفت جهان در سال ۲۰۱۲، در رتبه سوم پس از عربستان و ونزوئلا قرار گرفت و از نظر ذخایر اثبات شده گاز، مقام دوم جهان را پس از روسیه از آن خود کرد. البته اگر ترکیب مجموع ذخایر هیدروکربنی کشور را در نظر بگیریم، ایران در رتبه نخست جهان قرار می‌گیرد. بر این اساس مجموع ذخایر هیدروکربنی ایران حدود ۳۱۶ میلیارد بشکه برآورد شده است که در رتبه نخست جهان قرار دارد.

وجود نفت در ۷۵ مخزن جداگانه در مناطق خشکی و ۲۰ میدان دریایی در فلات قاره ایران به

اثبات رسیده و توسعه آنها اقتصادی ارزیابی شده است. اما بخش اعظم تولید نفت کشور فقط به ۲۲ مخزن در خشکی و نه مخزن در دریا محدود شده است. همچنین بخش بزرگی از تولید نفت کشور از هشت میدان بزرگ نفتی در جنوب کشور تامین می شود. این میدان ها عبارتند از: اهواز، گچساران، مارون، آغاچاری، کرنج، رگ سفید، بی بی حکیمه و کوپال. از این میدان های عظیم سال هاست که بهره برداری می شود و بنابراین حجم قابل توجهی از نفت آنها تخلیه شده است. به سبب کاهش فشار این مخازن نفتی، تولید آنها رو به کاهش بوده و برای افزایش باید به آنها گاز تزریق کرد. (میرترابی، ۱۳۸۹، ۲۶۶)

پیش بینی شده است با تزریق روزانه ۴۸۰ میلیون مترمکعب گاز در ۲۴ مخزن به شدت مورد نیاز به تزریق، هم از افت تولید مخازن جلوگیری شود و هم حداقل ۴/۵ میلیارد بشکه نفت بیشتر (معادل ۱۰ درصد از حجم کل قابل تولید) بتوان از این معادن برداشت کرد. بنابراین طرح های تزریق گاز کمک فراوانی به بهبود برداشت از مخازن و افزایش تولید می کند. (میرترابی، ۱۳۸۹، ۲۶۶) با تولید چهار میلیون بشکه نفت، ۶۰۰ میلیون مترمکعب گاز (معادل سه میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه نفت) و با احتساب ۳۷۰ هزار بشکه میعانات نفتی، مجموع نفت و گاز ایران در ابتدای سال ۱۳۹۰، معادل هشت میلیون بشکه بوده است. از این رو با عنایت به اجرای تحریم ها و توقف برخی پروژه ها، تولید به میزان قابل توجهی کاهش یافته است.

بهره برداری میادین مشترک نفت و گاز از منظر حقوق بین الملل

در حوزه مباحث مربوط به بهره برداری از میادین مشترک نفت و گاز، رویه دولت ها بیشتر معطوف به انعقاد معاهدات دو یا چندجانبه ای است که بر اساس منابع حقوق مقرر در ماده ۳۸ دیوان بین المللی دادگستری صورت می گیرد. تردیدی نیست که بخش عظیمی از میادین نفت و گاز در مناطق دریایی واقع شده و در اطراف مرزهای بین المللی یا مناطق مورد اختلاف قرار گرفته است. حقوق بین الملل، حق حاکمیت دولت ها بر منابع طبیعی بستر و زیربستر دریا در فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی را به رسمیت شناخته است. این حق حداقل در مورد فلات قاره، انحصاری و ذاتی بوده و از آنجا که فلات قاره تداوم طبیعی سرزمین دولت هاست، مشمول مفهوم حاکمیت می باشد و

دارای ماهیت عرفی است. در صورت عبور میادین از مناطق مورد اختلاف، با توجه به طبیعت سیال این مواد و شرایط زمین‌شناختی حاکم بر آنها، استناد یک دولت به حق حاکمیت و بهره‌برداری یک‌جانبه از آنها با حفظ یک‌پارچگی مخزن، با حاکمیت کشور ذی‌نفع دیگر در مخزن تناقض دارد. از این رو حقوق بین‌الملل به‌عنوان حافظ نظم بین‌المللی باید در صدد راه‌حل‌های چاره‌جویانه برای حل این مشکل باشد (چرچیل و آلن لو، آقای، ۱۳۸۳، ۲۲۱-۲۲۸).

کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها در ارتباط با تحدید حدود منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره از دولت‌ها می‌خواهد که در موارد اختلاف در تحدید حدود دریایی، با حسن نیت در قالب اقدامات موقت با ماهیت عملی و بدون خدشه به حقوق خود در موافقت‌نامه نهایی تحدید حدود، با یکدیگر همکاری کنند و از هر اقدامی که باعث به مخاطره افتادن توافق نهایی آنها شود، اجتناب ورزند. مفهوم همکاری و منع اقدامات یک‌جانبه در بهره‌برداری از میادین طبیعی مشترک مورد توجه مراجع حل‌وفصل اختلافات بین‌المللی نیز قرار گرفته است. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضایای فلات قاره دریای شمال، قضیه فلات قاره دریای اژه و فلات قاره لیبی و تونس به این موضوع توجه نشان داده و گرچه به‌طور مستقل به آن نپرداخته و ماهیت عرفی آن را تایید ننموده، اما به بیان‌های مختلف رویه عملی دولت‌ها را مد نظر قرار داده است.

در حقوق بین‌الملل یک اصل کلی عرفی مبنی بر همکاری در خصوص بهره‌برداری از میادین مشترک وجود دارد. این اصل به وسیله دولت‌های تولیدکننده نفت و سیستم حقوقی داخلی آنها به کار رفته و به‌عنوان یک اصل کلی حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده است. (از سوی دیگر اصول کلی حقوقی مانند اصل حاکمیت و تمامیت ارضی دولت‌ها، اصل حاکمیت دایمی بر منابع طبیعی و اصل منع سوءاستفاده از حق، مانع از آن می‌شوند که یک دولت بتواند بدون توجه به حقوق و منافع دولت دیگر از این منابع به شکل یک‌جانبه بهره‌برداری نماید. با مطالعه معاهدات چندجانبه و دوجانبه و رویه قضایی و قطعنامه‌های مجمع عمومی می‌توان گفت که عمل یک‌جانبه استخراج نفت و گاز در یک طرف خط مرزی توسط یک دولت به جهت نقض حاکمیت دولت دیگر ممنوع است. اقدامات اکتشافی که باعث خدشه به روند توافق نهایی شود، به صورت یک‌جانبه توسط یکی از طرفین ممنوع بوده و می‌باید مسبوق به مشاوره و اطلاع‌رسانی

قبلی باشد. در صورت کشف میادین مشترک در مناطق دارای تحدید حدود یا کشف میادین در مناطق مورد اختلاف، هریک از طرفین باید موضوع را به طرف دیگر اطلاع دهد و در مورد بهره‌برداری از آن با دیگری مشورت نماید. هر دولت ملزم است با طرف مقابل به شکل واقعی با حسن نیت برای حصول توافق در مورد بهره‌برداری از این میادین مذاکره کند و مادام که مذاکره به نتیجه نرسیده است، عمل یک‌جانبه و جاهت ندارد. (کاشانی، ۱۳۸۹، ۲۰۵-۲۸۵)

بهره‌برداری از میادین مشترک نفت و گاز منوط به تحدید حدود نبوده و طرفین یک اختلاف مرزی دریایی باید در قالب سازو کارهای موقت در جهت نیل به توافق مذاکره کنند. لازم است هریک از دولت‌ها در محدوده صلاحیت ملی خود به گونه‌ای رفتار کنند که باعث ورود آسیب‌های زیست محیطی در قلمرو دولت دیگر نشود. به عبارت دیگر، بهره‌برداری از این میادین می‌باید با لحاظ کردن الزامات زیست محیطی بوده و طرفین در این زمینه مشورت کنند. (اسرافیلی دیزجی، ۱۳۸۹) بهره‌برداری از میادین مشترک نفت و گاز صرفاً بر مبنای توافق دوجانبه امکان‌پذیر است و رویه دولت‌ها به شکل گسترده و منسجم و هماهنگ به نحوی که حکایت از وجود یک قاعده عرفی همکاری در اکتشاف این منابع باشد، وجود دارد. (کاشانی، ۱۳۸۹، ۲۰۵-۲۸۵)

میادین مشترک نفت و گاز در موافقت‌نامه‌های دوجانبه تحدید حدود کشورهای ساحلی خلیج فارس

بستر دریا در خلیج فارس دارای دو ویژگی کم‌نظیر است. از یک سو این منطقه سرشار از منابع غنی نفت و گاز و سایر منابع معدنی می‌باشد و از سوی دیگر، عرض دریا در آن اندک است. در چنین شرایطی در بسیاری از موارد میادین نفت و گاز از مرزهای دریایی تعریف شده توسط کشورها عبور می‌کند و موضوع صلاحیت و حاکمیت بیش از یک کشور قرار می‌گیرد و در مواردی که محدوده دریایی بین کشورها فاقد تحدید حدود دریایی است، عرصه مناسبی برای طرح ادعای حاکمیت و تعارض و تقابل منافع پدید می‌آید. در پرتو این حقایق، کشورهای ساحلی خلیج فارس مبادرت به تحدید حدود مناطق دریایی در قالب موافقت‌نامه‌های دوجانبه کرده‌اند.

کشورهای ایران، عربستان سعودی، کویت، امارات متحده عربی، قطر و بحرین در

موافقت‌نامه‌های دوجانبه تحدید حدود به این موضوع پرداخته‌اند. به‌طور کلی موافقت‌نامه‌های منعقدۀ در این زمینه در حوزه خلیج فارس، به اشکال زیر تقسیم می‌شوند:

الف. موافقت‌نامه‌هایی که متضمن توسعه میادین نفت و گاز توسط دولت‌های ذی‌نفع با سهم مساوی می‌باشند؛ موافقت‌نامه‌های عربستان سعودی و کویت از این دسته‌اند.

ب. موافقت‌نامه‌هایی که بهره‌برداری از میادین مشترک را به عهده یک دولت گذاشته و دولت مذکور متعهد به تضمین حق دولت دیگر ذی‌نفع در میادین به صورت پرداخت منافع آن دولت می‌باشد؛ موافقت‌نامه عربستان سعودی و بحرین، موافقت‌نامه ایران و شارجه و موافقت‌نامه ابوظبی و قطر در این دسته قرار می‌گیرند. (کاشانی، ۱۳۸۹، ۲۰۵-۲۸۵)

ج. موافقت‌نامه‌های حاوی شرط مخزن مشترک که حاوی تعهد شکلی همکاری، ممانعت از اعمال یک‌جانبه در منطقه مشخص و تعهد به مذاکره جهت یکی‌سازی میادین هستند؛ موافقت‌نامه‌های تحدید حدود دریایی ایران با قطر، عمان، عربستان سعودی، و بحرین در زمره این موافقت‌نامه‌ها قرار دارند. با این همه، موافقت‌نامه‌های حاوی شرط مخزن مشترک خلیج فارس از ایرادات زیر برخوردار است:

یک. در یک منطقه محدود در دو طرف خط مرزی تحدید حدود حفاری ممنوع شده و در خارج از منطقه مذکور این محدودیت وجود ندارد.

دو. حفاری منع شده حفاری انحرافی می‌باشد، بنابراین در صورتی که با پیشرفت فن‌آوری بتوان از طریق حفاری عمود میادین را استخراج نمود، شامل ممنوعیت مذکور نمی‌شود.

سه. تعهد ایجابی طرفین در مورد میادین مشترک یا فرامرزی تعهد به تلاش در جهت بهره‌برداری با هماهنگی و یکی‌سازی میادین مشترک است. این تعهد کلی، محدوده تلاش، چگونگی انجام اقدامات عملی، حکم موضوع در صورت شکست مذاکرات و ضمانت اجرایی نقض این تعهدات را مشخص نکرده است. اگرچه می‌توان گفت که شرط مخزن مشترک در معاهدات مذکور مشابه این شرط در موافقت‌نامه‌های تحدید حدود دریایی در سایر مناطق جهان می‌باشد.

ولی تاکنون و در عمل هیچ موافقت‌نامه یکی‌سازی یا توسعه مشترک در راستای عمل این شرط، بین ایران و همسایگان خود منعقد نشده است. برخی از میادین مشترک نفت و گاز در خلیج

فارس در مناطق مورد اختلاف و فاقد تحدید حدود دریایی واقع شده‌اند. میادین مشترک بین ایران و کویت و ایران و امارات متحده عربی در این دسته قرار دارند.

در مدل موافقت‌نامه یکی‌سازی، پس از مشخص شدن سهم هر دولت در میدان شرکت‌های مجاز از سوی دو دولت، کل میدان را به صورت یک میدان واحد تعریف کرده و در قالب یک قرارداد مشارکت در سرمایه‌گذاری، یک اپراتور واحد جهت بهره‌برداری از میدان ایجاد می‌کنند که شرکت‌های دو دولت به میزان سهم هریک از دو دولت در این شرکت اپراتور واحد سهمیه هستند. هزینه‌ها به میزان سهم دولت‌ها دریافت می‌گردد و دولت‌ها نیز می‌توانند یک نهاد مشترک ایجاد کنند که مبادرت به سیاست‌گذاری، نظارت، بازرسی، حسابرسی، انعقاد قراردادهای، اصلاح قراردادهای و ... نماید و گزارش سالانه خود را به مقامات صالحه دولت‌ها تقدیم کند.

در مورد میادین مشترک واقع در مناطق فاقد تحدید حدود دریایی همانند میادین مشترک با امارات متحده عربی (میادین مبارک، نصرت و فرزام)، و میدان آرش (مشترک با کویت) مدل توسعه مشترک مناسب است. کشورهای ایران، کویت و امارات متحده عربی می‌توانند در قالب مواد ۷۴ و ۸۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای به‌عنوان یک راه حل موقت و بدون لطمه به توافق نهایی خود در تحدید حدود دریایی، یک منطقه را به‌صورت کلی به‌عنوان منطقه توسعه مشترک تعریف کنند و در قالب یک موافقت‌نامه کلیه میادین فعلی موجود در این منطقه و میادینی که در آینده فرامرزی بودن آنها ثابت می‌شود، به صورت اشتراکی توسعه دهند. دو دولت می‌توانند با یک شرکت قرارداد منعقد و آن شرکت از طرف دو دولت مبادرت به توسعه اشتراکی میدان نماید و پس از کسر هزینه‌ها، عواید هر دو دولت را به‌صورت وجه یا به شکل مواد هیدروکربنی پرداخت نماید این مدل در مورد برخی از میادین واقع در منطقه بی‌طرف بین عربستان و کویت اعمال شده است. همچنین هریک از دولت‌ها می‌توانند یک شرکت را به دولت دیگر معرفی نمایند و شرکت‌های منتخب، در قالب کنسرسیوم یا مشارکت شرکت ثالثی را ایجاد کرده و آن شرکت به‌عنوان مجری عملیات اقدام به بهره‌برداری نماید، نظارت دولت نیز در قالب نهادهایی چون مقام توسعه مشترک یا کمیسیون مشترک قابل تضمین می‌باشد (اسرافیلی دیزجی، ۱۳۸۹، www.Naftnews.ir)

میدان‌های نفت و گاز مشترک ایران و کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس

ایران در چهار منطقه میدان‌های مشترک نفت و گاز با کشورهای همسایه دارد:

یک. میدان‌های نفت و گاز مشترک در خلیج فارس که شامل میدان پارس جنوبی به‌عنوان مهم‌ترین میدان مشترک ایران است و در عین حال ۱۲ میدان نفت و گاز دیگر را با کشورهای قطر، عمان، امارات متحده عربی، کویت و عربستان شامل می‌شود.

مساحت میدان گازی پارس جنوبی ۹۷۰۰ کیلومتر مربع است که ۳۷۰۰ کیلومتر مربع آن در آب‌های سرزمینی ایران و ۶۰۰۰ کیلومتر مربع آن در آب‌های سرزمینی قطر قرار دارد. حجم گاز قابل برداشت میدان همراه میعانات گازی، معادل ۲۳۰ میلیارد بشکه نفت خام است. ذخیره بخش ایرانی میدان ۱۴ تریلیون مترمکعب گاز درجا و ۱۰ تریلیون مترمکعب گاز قابل برداشت و ۱۷ میلیارد بشکه میعانات گازی (نه میلیارد بشکه قابل برداشت) است که ۵۰ درصد ذخایر گازی ایران و هشت درصد از ذخایر گازی جهان را تشکیل می‌دهد.

دو. میدان‌های مشترک نفت و گاز در جنوب کشور که شامل مهم‌ترین میدان در نفت شهر می‌شود.

سه. میدان‌های مشترک در دریای خزر که مهم‌ترین آن میدان البرز است که با آذربایجان مشترک است.

چهار. میدان‌های مشترک در شرق کشور که مهم‌ترین آن میدان گازی گنبدلی است که با ترکمنستان مشترک است.

در مجموع ایران ۲۸ میدان نفتی و گازی مشترک با همسایگان دارد. در بین میادین مشترک نفت و گاز ایران، ۱۵ مخزن در آب‌های خلیج فارس و ۱۳ مخزن در خشکی قرار گرفته‌اند که ۱۲ حوزه در مرز مشترک با عراق، هفت مخزن مشترک با امارات، چهار مخزن مشترک با عربستان سعودی، با قطر و عمان دو مخزن و با هریک از کشورهای کویت و ترکمنستان نیز یک میدان مشترک هیدروکربوری دارد. (میرترابی، ۱۳۸۹، ۲۷۰)

— میادین مشترک با قطر: در میدان مشترک پارس جنوبی است که در فاصله ۱۰۰ کیلومتری با ساحل ایران و در منطقه عسلویه قرار دارد. مشخصات کامل این حوزه گازی در مبحث قبل ذکر شد.

ایران حدود ۳۰ میلیارد دلار برای اجرای فازهای مختلف پالایشگاهی در پارس جنوبی سرمایه‌گذاری کرده است و برای تکمیل آن هنوز حدود ۴۰ میلیارد دلار سرمایه لازم دارد. در سال ۲۰۰۹ برداشت قطر از پارس جنوبی روزانه ۱۲/۲ میلیارد فوت مکعب گاز است، اما ایران کمتر از ۱۰ میلیارد فوت مکعب گاز در روز برداشت می‌کند. برداشت قطر از سال ۱۹۹۰ شروع شده، اما برداشت ایران از سال ۲۰۰۱ آغاز شده است. با سرمایه‌گذاری ۴۰۰ میلیارد دلاری قطر در این حوزه تا سال ۲۰۱۲، میزان برداشت گاز آن کشور، سه برابر ایران است. بنابراین در میدان پارس جنوبی نیز تولید و برداشت قطر بسیار زودتر از ایران شروع شده و به‌طور متوسط حدود سه برابر ایران بوده است؛ هرچند که سهم قطر از ایران بسیار بیشتر است.

— میادین مشترک با عراق: از نظر تعداد، بیشترین میادین مشترک ایران در مرز با عراق قرار گرفته‌اند. میدان دهلران، پایدار غرب و نفت شهر از جمله میادین مشترک ایران و عراق است که تحت مدیریت نفت مناطق مرکزی قرار دارد. میدان بسیار بزرگ آزادگان، که به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم شده، و میدان یادآوران دو میدان مشترک دیگر ایران با عراق هستند که پروژه توسعه و به تولید رساندن هر دو به شرکت‌های چینی سپرده شده است. طرف عراقی با سرعت بسیار بیشتری برای بهره‌برداری از این دو میدان اقدام کرده است. میدان آزادگان بزرگ‌ترین امید ایران برای افزایش ظرفیت تولید نفت با توجه به پر شدن اغلب مخازن قدیمی نفت و افت تولید آنهاست. میدان نفتی آذر دیگر میدان نفتی مشترک ایران و عراق است که تفاهم‌نامه توسعه آن با گازپروم روسیه بسته شد، اما با تعلل گازپروم توسعه آن بر عهده یک کنسرسیوم ایرانی گذاشته شد. مخزن این میدان با میدان نفتی بدرای عراق مشترک بوده و در امتداد شمال غربی میدان مستقل چنگوله واقع شده است.

این میدان دارای دو میلیارد و ۵۰۰ بشکه نفت خام درجا است. میزان نفت قابل استحصال از این میدان ۴۰۰ میلیون بشکه نفت برآورد می‌شود. پیش‌بینی می‌شود با بهره‌برداری از این میدان، روزانه ۵۰ تا ۶۵ هزار بشکه نفت خام برداشت شود.

از حدود شش سال قبل شرکت ملی نفت با واگذاری آن به شرکت پتروایران، این شرکت را متعهد کرد با توسعه فروزان، میدان نفتی مجاور آن یعنی اسفندیار را هم توسعه دهد. بدین سبب

عقد قراردادی با کشور مالزی در دستور کار قرار گرفت که به موجب آن در مرحله اول توسعه میدان اسفندیار روزانه ۱۰ هزار بشکه نفت خام و در مرحله بعدی آن ۲۰ هزار بشکه نفت خام تولید شود. مالزیایی‌ها از توسعه این میدان کنار کشیدند. در مرز با عراق، توسعه سریع‌تر میدان‌های مشترک از جانب عراق مشهود است. با توجه به اینکه عراق پروژه‌های نفتی خود را از طریق مناقصه به شرکت‌های خارجی واگذار می‌نماید، میزان برداشت به سرعت رو به افزایش است.

– **میادین نفتی مشترک با عربستان؛** میدان نفتی فروزان است که در ۱۰۰ کیلومتری جنوب غربی جزیره خارک و مشترک با میدان مرجان عربستان سعودی واقع شده است. میزان ذخایر اثبات شده این میدان دو میلیارد و ۳۰۹ میلیون بشکه نفت خام درجا است.

میدان گازی فرزاد A و B دو میدان مشترک گازی با عربستان در زمره میادین کوچک گازی «جزیره فارسی» هستند. روند ساختمان این دو میدان گازی به گونه‌ای است که بخش اعظم میدان گازی فرزاد A در عربستان «به شکل شمال شرقی، جنوب غربی» و بخش اعظم میدان گازی فرزاد B در ایران «شمال غربی، جنوب شرقی» قرار داده است.

در میدان گازی فرزاد B دو چاه حفاری شده است، این میدان با ذخیره درجا حدود ۱۲/۵ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی در آب‌های ایران قرار دارد، بخش خارجی میدان فرزاد A در عربستان با نام میدان «حصه» معروف است. یک کنسرسیوم هندی به توسعه فرزاد B علاقه‌مند است، اما به رغم مذاکرات طولانی اقدامی برای توسعه این میدان انجام نشده است. حجم سرمایه‌گذاری برای توسعه فرزاد B حداقل پنج میلیارد دلار برآورد می‌شود.

– **میدان مشترک با عمان؛** میدان مشترک نفت و گاز هنگام است، میزان ذخایر اثبات شده ۷۰۰ میلیون بشکه نفت و دو تریلیون فوت مکعب گاز موجود است. بخش عمده آن در منطقه ایران است که برداشت عمان ۱۰ هزار بشکه نفت در روز است و ۲۰ هزار بشکه نفت برداشت ایران است.

– **میدان مشترک با کویت؛** حوزه مشترک گازی آرش است که ۱۳ تریلیون مترمکعب ذخیره اثبات شده گاز موجود می‌باشد، ایران با کویت برای برداشت مشترک به توافق نرسیدند، ولی عربستان و کویت از این حوزه با انعقاد قرارداد با شرکت آرامکو برداشت مشترک می‌نمایند.

– **میادین مشترک با امارات متحده عربی؛** حوزه مشترک سلمان مربوط به برداشت گاز که

ذخایر آن ۱۸۳ میلیون مترمکعب گاز موجود است که ۶۷ درصد این حوزه در بخش ایران و ۳۳ درصد در بخش امارات متحده عربی می‌باشد. در میدان مشترک نفتی فرزام تزریق آب از سوی امارات برای افزایش تولید از این میدان شده است، در میادین مشترک نصرت و مسلم از سوی امارات برداشت صورت گرفته، ولی ایران از سال ۱۳۸۹ در دستورکار برای برداشت قرار گرفته است، اما به دلیل تعطیلی پروژه‌ها برای برداشت از این دو میدان اطلاعی در دست نداریم. در مجموع طبق اعلام شرکت ملی نفت ایران، امارات متحده عربی ۱۳۶ هزار بشکه در روز و ایران تنها ۵۶ هزار بشکه تولید داشته است که با توجه به فسخ و تعطیلی پروژه‌ها از سوی شرکت‌های خارجی، برداشت بسیار کمتر از این میزان است.

بنابراین، بهترین روش برداشت از میدان‌های مشترک، برداشت هماهنگ با مدیریت واحد است که متأسفانه در حال حاضر رعایت نمی‌شود و فضای خصمانه ناشی از تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی امکان همکاری مشترک با کشورهای همسایه در این زمینه را کاهش داده است. گزارش‌های رسمی از پیشی گرفتن کشورهای همسایه در برداشت از میدان‌های مشترک به‌ویژه در حوزه خلیج فارس حکایت دارد. ایران توسعه میدان‌های مشترک را در اولویت قرارداده اما محدودیت‌ها، کمبود منابع و تحریم این روند را در مقایسه با همسایگان کندتر کرده و همچنان کشورهای همسایه گوی سبقت را از ایران ربوده و با آخرین فن‌آوری پیشرفته و سرمایه‌های کلان مبادرت به انعقاد قرارداد با شرکت‌های نفتی دنیا نموده است و یک‌جانبه به خالی کردن مخازن مشترک نفت و گاز می‌پردازد.

برای مقایسه و تحلیل مناسب‌تر از میادین مشترک نفت و گاز ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس می‌توان به جدول شماره یک نگاه کرد که براساس میزان ذخایر، برداشت ایران، برداشت کشور همسایه رقیب، میزان تولید ایران، شرکت طرف قرارداد ایران و شرکت طرف قرارداد کشور رقیب و میزان سرمایه‌گذاری ایران و کشور رقیب طراحی شده است.

جدول شماره یک، میادین مشترک نفت و گاز با همسایگان و ذخایر و میزان برداشت ناآدلانه کشورهای همسایه مانند قطر از میادین مشترک و زمان برداشت زودتر آنان را به‌خوبی نشان می‌دهد. همچنین، برداشت ایران از ابتدا تاکنون، زمان ورود ایران در برداشت را بیان کرده است،

که اکثراً دیرتر از کشورهای رقیب صورت گرفته و حتی در برخی موارد به دلیل محدودیت‌هایی که در این مقاله به آن اشاره می‌شود، تولید متوقف شده است. اما کشورهای حاشیه خلیج فارس چون با چنین محدودیت‌های روبه‌رو نیستند، با دعوت از شرکت‌های خارجی نفتی برای سرمایه‌گذاری، برداشت مضاعف و ناعادلانه‌ای داشته‌اند. حتی برخی از آنها مانند عراق، میداین مشترک نفتی را به مناقصه گذاشته و در مسابقه برداشت از میداین مشترک گوی سبقت را از سایر کشورهای حوزه خلیج فارس ربوده‌اند.

شایان ذکر است که ذخایر میداین مشترک محدود و پایان‌پذیر است و کشورها در قبال ذخایر مشترک رویکرد ذخیره برای نسل آینده را ندارند و هر کشوری در برداشت از میداین مشترک تامین منافع ملی خود را در نظر دارد. بر همین اساس، به نظر می‌رسد تنها راهکار مناسب برداشت منطقی کشورها از میداین مشترک، انعقاد موافقت‌نامه‌های یکی‌سازی و برداشت هماهنگ با مدیریت واحد است، که در مباحث قبلی به آن اشاره شد.

محدودیت‌های ایران در بهره‌برداری از میداین مشترک نفت و گاز

یک. تحریم صنعت نفت و گاز ایران

تحریم همواره تأثیرات مخربی بر اقتصاد ایران داشته، اما بیشترین تأثیر را بر صنعت نفت و گاز گذاشته است. ایالات متحده آمریکا در ۱۹۹۵، در زمان ریاست جمهوری بیل کلینتون تحریم‌های کامل اقتصادی علیه ایران را وضع نمود و ممنوعیت کمک به توسعه منابع نفتی و سرمایه‌گذاری در میداین نفت را به تصویب رساند. در می همان سال دو نوع رابطه تجاری و مالی با ایران قطع شد.

در سال ۱۹۹۶ قانون معروف به ایلسا توسط کمیته مالی سنای آمریکا علیه ایران تصویب شد که مختص تحریم ایران و لیبی بود. قانون ایلسا هر شرکتی را که با ایران به میزان بیش از ۲۰ میلیون دلار تجارت داشتند، تهدید به اعمال مجازات و تحریم می‌کرد.

در زمان بوش پسر دو نوع تحریم علیه ایران صورت گرفت. نخست، تمدید قانون ایلسا؛ و دوم، تحریمی که به موجب آن ایران و کشورهای طرف معامله را زیر فشار قرار می‌دادند. بدین شکل

که شرکت‌های خارجی معامله‌کننده با ایران را مشمول مجازات قرار می‌دادند. (سعادت و عیوضی، ۱۳۸۹، ۵۵۳) همچنین در ۲۰۱۰ کشورهای اروپایی از سرمایه‌گذاری مشترک با طرف‌های ایرانی در صنایع نفت و گاز ایران منع شدند. (جدول شماره دو)

در همین زمان، همکاری با ایران برای واردات و صادرات تسلیحات و تجهیزات غنی‌سازی اورانیوم یا دارای کاربرد دوگانه نظامی و غیرنظامی همراه با فروش و انتقال تجهیزات و فن‌آوری مخصوص پالایش نفت یا مایع کردن گاز طبیعی به جمهوری اسلامی نیز ممنوع اعلام شد. (سعادت و عیوضی، ۱۳۸۹، ۵۵۴) اتحادیه اروپا هم‌سو با شورای امنیت سازمان ملل و آمریکا تاکنون چندین سری تحریم‌ها را علیه ایران به اجرا گذاشته است.

دو. افزایش ریسک سرمایه‌گذاری

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به‌طور طبیعی شرایط بی‌ثبات ناشی از انقلاب و جنگ، زمینه جذب سرمایه‌های خارجی را به شدت محدود کرد. اقدام دولت آمریکا در ۱۹۹۵ درخصوص تصویب طرح داماتو، مانع دیگری در زمینه سرمایه‌گذاری در بخش نفت کشور ایجاد کرد. به همین دلیل ایران از نظر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سال‌های ۱۹۹۸-۱۹۹۰ بین ۱۹۵ کشور رتبه ۱۱۲ و در ۲۰۰۱ رتبه ۱۳۱ را کسب کرد. نشریه *بیزینس مانیتور/اینترنشنال*، در سال ۲۰۰۴ شاخص ریسک سرمایه‌گذاری در ایران را ۵۳ از ۱۰۰ اعلام کرد. واحد تحقیقات نشریه *اکنومیست* نیز شاخص ریسک سرمایه‌گذاری در ایران در سال ۲۰۰۴ را ۵۸ از ۱۰۰ اعلام کرد. (سعادت و عیوضی، ۱۳۸۹، ۵۵۸)

بالا رفتن ریسک سرمایه‌گذاری در صنایع نفت و گاز ایران موجب شده است شرکت‌های نفتی خارجی به دلیل تحریم‌ها با احتیاط وارد مذاکره با ایران و انعقاد قراردادهای نفتی شوند. آنها نمی‌خواهند مورد تحریم آمریکا واقع شوند و از همکاری فنی و کمک مالی شرکت‌ها و دولت آمریکا محروم گردند. تحریم آمریکا موجب شده است شرکت‌های نفتی به سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز ایران تمایل نداشته باشند و چنانچه اقدام به انعقاد قرارداد با ایران نموده‌اند، متعهد به انجام تعهدات خود در قبال ایران نباشند و قرارداد را نیمه‌کاره رها نمایند. (جدول شماره دو)

سه. سرمایه‌گذاری در بخش استخراج و پالایش نفت

سرمایه‌گذاری‌ها در بخش استخراج و پالایش نفت در دو بخش هستند، اول سرمایه‌گذاری داخلی و دیگری جذب منابع خارجی از بخش نفت که این موضوع خود به دو قسمت جذب منابع از داخل و خارج کشور تقسیم می‌شود. مجموع منابع جذب شده از خارج از کشور در برنامه چهارم توسعه در حدود ۱۰ میلیارد دلار بوده است. به گفته مسئولان حوزه صنعت نفت و گاز ایران، در ۲۰ سال آینده کشور باید ۶۰۰ میلیارد دلار در بخش‌های مختلف نفت و گاز سرمایه‌گذاری کند که با مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی امکان‌پذیر خواهد بود. (سعادت و عیوضی، ۱۳۸۹)

بنابراین، صنعت نفت و گاز ایران نیاز به توسعه و سرمایه‌گذاری کلان دارد. لذا بر همین اساس در نشریه آمریکایی، راجر استرن، در مقاله‌ای تحت عنوان «بحران نفتی ایران و امنیت ملی ایالات متحده آمریکا» به بررسی تاثیر تحریم‌ها بر تولید نفت ایران پرداخت. وی در این مقاله به این اصل استناد می‌کند که هر حوزه نفتی دارای عمر مفید و مشخصی می‌باشد و با گذشت زمان، دچار افت تولید می‌شود و بهره‌برداری از آن دیگر مقرون به صرفه نخواهد بود. بنابراین جهت حفظ سطح تولید یا افزایش آن، باید سرمایه‌گذاری‌های لازم جهت اکتشاف جدید یا افزایش بازیافت از ذخایر نفتی صورت گیرد و در غیر این صورت، تولید روزبه‌روز کمتر شده، تا حدی که جوابگوی مقدار تقاضای داخلی نیز نخواهد بود و صادرات نفت به صفر خواهد رسید. ذخایر نفتی ایران نیز از این امر مستثنی نیستند. (حلیم زمهریر و میرزایی فرد، ۱۳۸۹، ۶۱۳)

بنابراین سرمایه‌گذاری کافی در بخش نفت یک مساله حساس و کلیدی است که اگر به آن توجه نشود، آثار مخرب آن گریبانگیر اقتصاد کشور خواهد شد و آن را فلج می‌کند.

چهار. فن‌آوری جدید نفت و گاز

فرسوده بودن صنعت نفت و گاز در ایران، و تحریم‌های این حوزه علیرغم سرمایه‌گذاری‌های داخلی و بومی سازی برخی از دانش‌های مربوط به اکتشاف، استخراج و پالایش، آسیب‌های شدیدی به صنایع نفت و گاز ایران در مقایسه با پیشرفت‌های این صنایع در سایر کشورهای منطقه وارد ساخته است. در حال حاضر در زمینه فن‌آوری‌های جدید نفت و گاز قطر با

به دست آوردن این فن آوری‌ها، تغییرات وسیعی در صنعت انرژی خود ایجاد کرده است، در حالی که ایران در مورد فن آوری انرژی خود با مشکلات خاصی روبه‌رو است که تاثیر زیادی بر روند تولید و برداشت منابع انرژی به‌ویژه از میادین مشترک نفت و گاز می‌گذارد. (جدول شماره یک)

بنابراین عدم بهره‌برداری ناکافی از میادین مشترک، با توجه به محدودیت‌هایی مانند تحریم، فرسوده بودن پالایشگاه‌ها، قدیمی بودن چاه‌های نفت، عدم تزریق آب و گاز به چاه‌های نفت و گاز، عدم جذب سرمایه‌گذاری مناسب در این صنعت و عدم استفاده از فن آوری روز دنیا موجب افت شدید حتی در تولید از مخازن اختصاصی و به‌ویژه برداشت از میادین مشترک با همسایگان شده است.

شایان ذکر است که با توجه به فضای به‌وجود آمده در نظام بین‌المللی به موجب تحریم، بسیاری از شرکت‌های نفتی قراردادهای منعقد شده با ایران را نیمه‌کاره و به صورت یک‌جانبه لغو کرده‌اند. (جدول شماره دو) این عمل موجب خشنودی کشورهای همسایه و فرصت بیشتر برداشت برای آنان را فراهم و حوزه‌های مشترک را به صورت ضمنی به حوزه‌های فردی همسایگان تبدیل کرده است. (جدول شماره یک)

در جدول شماره دو، بسیاری از شرکت‌های خارجی نفتی با ایران قراردادهایی در خصوص اکتشاف، تولید، توسعه میادین ایجاد دکل، ساخت مخازن LNG، توسعه بلوک نفتی، بهبود پالایشگاه و... را از سال‌های ۱۹۹۹ به بعد منعقد نمودند که سرمایه‌گذاری در این موارد انجام شد، اما با توجه به تحریم‌های اتحادیه اروپا، آمریکا و سازمان ملل متحد بسیاری از آن شرکت‌ها قرارداد را نیمه‌کاره رها کردند و یا برای برخی شرکت‌ها مهلت زمانی مشخص را جهت خاتمه قرارداد تعیین نمودند. برخی شرکت‌های نفتی که به دلیل فضای ناشی از تحریم به تعهدات قرارداد منعقد خود با ایران عمل نکرده‌اند عبارتند از:

- شرکت توتال فرانسه، شرکت ENI ایتالیا در پروژه نفت درود مستثنی از تحریم شده و متعهد به خروج از بازار ایران شدند.

- شرکت گازپروم و لوک اویل روسیه متعهد به خروج از بازار نفت ایران شده و دیگر تولید نمی‌کند.

- شرکت ENI ایتالیا در پروژه دارخوین، اعلام کرد تا ۲۰۱۳ کلیه عملیات اجرایی برای همیشه تعطیل می‌شود.

- شرکت ENI در فاز ۴ و ۵ پارس جنوبی، گاز پترولیوم اکونومیست مستثنی از تحریم شده اما می‌بایست تا دسامبر ۲۰۰۴ بر اساس تعهد از بازار ایران خارج می‌شد.

- شرکت رویال داچ شل ریسول اسپانیا که متعهد شده بود تا سپتامبر ۲۰۰۹ مذاکره با ایران را خاتمه داده و دیگر این پروژه را دنبال نکند.

- شرکت ترکیش پترولیوم درخصوص فاز ۲۲، ۲۳ و ۲۴ پارس جنوبی گاز برای انتقال گاز ایران به ترکیه و به اروپا و احداث سه نیروگاه برق در ایران مذاکراتی را در ۲۰۰۷ انجام داد، که بر اثر تحریم به نتیجه نهایی نرسیده است.

نتیجه‌گیری

در روابط بین ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس فرصت‌های بسیاری برای همکاری است که موجب تقویت هم‌گرایی با این کشورها می‌شود، مانند همکاری‌های اقتصادی مشترک (موافقت‌نامه‌های اقتصادی مانند احداث فیبر نوری در کویت، طرح انتقال آب شیرین به کویت، موافقت‌نامه‌های صدور گاز به کویت، بحرین و ...) اعزام نیروی متخصص (کادر پزشکی، پیراپزشکی، پرستاری و ...) اعزام نیروی کار (بسیاری از ایرانیان برای کار در این کشورها اشتغال دارند، کویت، امارات، بحرین و ...)، توریسم درمانی (پذیرش بیماران و عمل جراحی و جایگزینی ایران به‌جای کشورهای شرق آسیا)، تبادلات فرهنگی (ایجاد رشته ادبیات و زبان فارسی در کویت و برخی کشورها، برگزاری جشنواره‌های فرهنگی و ...)، احیای راه ابریشم (به لحاظ جغرافیایی ترانزیت کالا از این کشورها به آسیای مرکزی و میانه)، جذب توریسم (به‌خاطر تنوع آب و هوایی و چهارفصل بودن ایران)، مانورهای مشترک امنیتی و نظامی (ایران و عمان به‌طور مشترک در تنگه هرمز مانور مشترک نظامی انجام دادند)، روابط تجاری مشترک (ایران و دبی) و مهم‌تر از همه که موضوع این مقاله نیز می‌باشد، سرمایه‌گذاری‌های مشترک و هماهنگ در میادین مشترک نفت و گاز است. بهترین روش برداشت از میدان‌های مشترک، برداشت هماهنگ با

مدیریت واحد است که فرصت همکاری را در روابط ایجاد می‌کند، (مانند برخی از کشورهای منطقه، موافقت‌نامه عربستان و بحرین در سال ۱۹۵۸)، اما مواردی هم وجود دارد که سبب واگرایی، تنش و تیرگی روابط می‌شود. انعقاد پیمان‌های امنیتی دوجانبه این کشورها با آمریکا و تعهدات آنها، واگذاری پایگاه‌های نظامی به آمریکا (ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا در بحرین)، اختلافات مرزی (ایران و عراق، ایران و کویت، ایران و امارات متحده عربی)، برنامه هسته‌ای ایران (پیامدهای زیست‌محیطی)، حمایت از جنبش‌های آزادی‌خواهانه (اتهام مداخله ایران در امور داخلی بحرین)، تضاد ایدئولوژی (شیعه - سنی)، مسائل عراق و سوریه، جبران کمبود تولید نفت ایران از سوی همسایگان عرب عضو سازمان اوپک و ... موجب واگرایی در روابط با این کشورهاست.

به نظر می‌رسد با توجه به مباحث هم‌گرایی و واگرایی مطرح شده در روابط بین ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس، موضوع برداشت از میدان‌های مشترک از موارد دیگر مهم‌تر باشد؛ چون با منافع ملی و ثروت ملی ایران ارتباط تنگاتنگی دارد. با وجود اینکه موافقت‌نامه‌هایی میان ایران و این کشورها از دهه ۱۹۷۰ به بعد منعقد شد، اما به علت سوءبرداشت کشورهای همسایه و برداشت‌های بی‌رویه منابع از میادین مشترک ایراداتی است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: یک. در یک منطقه محدود در دو طرف خط مرزی تحدید حدود حفاری ممنوع شده و در خارج از منطقه مذکور این محدودیت وجود ندارد.

دو. حفاری منع شده حفاری انحرافی می‌باشد، بنابراین در صورتی که با پیشرفت فن‌آوری بتوان از طریق حفاری عمود میادین را استخراج نمود، شامل ممنوعیت مذکور نمی‌شود.

سه. تعهد ایجابی طرفین در مورد میادین مشترک یا فرامرزی تعهد به تلاش در جهت بهره‌برداری با هماهنگی و یکی‌سازی میادین مشترک است. این تعهد کلی، محدوده تلاش، چگونگی انجام اقدامات عملی، حکم موضوع در صورت شکست مذاکرات و ضمانت اجرایی نقض این تعهدات را مشخص نکرده است. اگرچه می‌توان گفت که شرط مخزن مشترک در معاهدات مذکور مشابه این شرط در موافقت‌نامه‌های تحدید حدود دریایی در سایر مناطق جهان می‌باشد، ولی تاکنون و در عمل هیچ موافقت‌نامه یکی‌سازی یا توسعه مشترک در راستای عمل این شرط، بین ایران و همسایگان خود منعقد نشده است. در مدل موافقت‌نامه یکی‌سازی، پس از

مشخص شدن سهم هر دولت در میدان شرکت‌های مجاز از سوی دو دولت کل میدان را به صورت یک میدان واحد تعریف کرده و در قالب یک قرارداد مشارکت در سرمایه‌گذاری، یک اپراتور واحد جهت بهره‌برداری از میدان ایجاد می‌کنند که شرکت‌های دو دولت به میزان سهم هریک از دو دولت در این شرکت اپراتور واحد سهیم هستند. هزینه‌ها به میزان سهم دولت‌ها دریافت می‌گردد و دولت‌ها نیز می‌توانند یک نهاد مشترک ایجاد کنند که مبادرت به سیاست‌گذاری، نظارت، بازرسی، حسابرسی، انعقاد قراردادهای، اصلاح قراردادهای و ... بنماید و گزارش سالانه خود را به مقامات صالحه دولت‌ها تقدیم نماید.

برخی از میادین مشترک نفت و گاز در خلیج فارس در مناطق مورد اختلاف و فاقد تحدید حدود دریایی واقع شده‌اند. میادین مشترک بین ایران و کویت و ایران و امارات متحده عربی در این دسته قرار دارند. به نظر می‌رسد که تجدیدنظر در مفاد این موافقت‌نامه ضروری است.

اگرچه ایران برداشت‌های مشترک از میادین را در اولویت قرارداده اما محدودیت‌های ایران در حوزه انرژی نفت و گازمانند؛ تحریم، فرسوده بودن پالایشگاه‌ها، قدیمی بودن چاه‌های نفت، عدم تزریق آب و گاز به چاه‌های قدیمی و فرسوده، عدم جذب سرمایه‌گذاری مناسب در این صنعت و عدم استفاده از فن‌آوری روز دنیا موجب افت شدید حتی در تولید از مخازن اختصاصی و به‌ویژه برداشت بیشتر از میادین مشترک با همسایگان شده و منافع ملی ایران را ضایع نموده است.

امید است با تقویت روابط انرژی‌محور با کشورهای همسایه، بازنگری در موافقت‌نامه‌ها و حضور در موافقت‌نامه‌های توسعه مشترک میادین فراهم شود و با احداث خطوط لوله نفت و گاز با همسایگان و مشارکت شرکت‌های معتبر بین‌المللی، سطح فن‌آوری و توانمندی شرکت‌های داخلی ارتقا یابد و مشارکت در تولید منابع میادین مشترک با کشورهای همسایه خلیج فارس، موقعیت راهبردی کشور در بازار انرژی منطقه و جهان را افزایش دهد.

جدول شماره یک
مبادین مشترک نفت و گاز ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس

میدان مشترک	کشور	ذخایر	برداشت رقیب	برداشت ایران	میزان تولید	شرکت	توضیحات
پارس جنوبی	قطر	۳۶۰ میلیون فوت مکعب گاز قابل برداشت ایران	۲۷۰ میلیون مترمکعب در سال	۳۸۰ میلیون بشکه از میدان میعانات - گاز ۲۰۰ میلیون مترمکعب درروز	اکثر پروژه ها به دلیل تحریم توسط شرکتها رها شده	قطر (شرکت اکسون موبیل - توتال) ادرصد سهام این دوشرکت قطر خریداری نموده	سهام قطر ۴۰۰ میلیونارد سرمایه گذاری کرده ایران ۴۰ - ۷۰ میلیارد در پارس جنوبی - عسلویه
نفت شهر	عراق		در حال تولید از طریق مناقصه	در حال تولید در استان کرمانشاه		شرکت های انگلیسی،فرانسه،چین،نروژ، مالزی	طرف عراقی از طریق مناقصه به شرکت های مذکور واگذار نموده
یادآوران	عراق	۷ میلیارد بشکه	در حال توسعه		در حال توسعه	شرکت های انگلیسی،فرانسه چین،نروژ مالزی	طرف عراقی از طریق مناقصه به شرکت های مذکور واگذار نموده - معادل کل نفت کشور الاجزایر است
آزادگان	عراق	غنی ترین میدان نفتی مشترک			در حال توسعه	شرکت های انگلیسی، فرانسه چین، نروژ مالزی	طرف عراقی از طریق مناقصه به شرکت های مذکور واگذار نموده



میدان مشترک	کشور	فخاير	برداشت رقيب	برداشت ايران	ميزان توليد	شرکت	توضيحات
دهلران	عراق	۴۰۲۱۲ ميليون بشکه - ۶۳۵ ميليون قابل برداشت		۲۵۰۰۰ بشکه روزانه			
آزادگان شمالی - جنوبي	عراق	۵۸۰۰ ميليون بشکه نفت خام		۳۵۰۰۰ بشکه روزانه			ايران با شرکت پروم قراردادمنقد کرده
يادآوران	عراق	۳۰۰۰ - ۴۰۰۰هزارمتر ليون بشکه		۸۵۰۰۰ - ۱۰۰۰۰۰ فاز ۳ - بشکه روزانه			ايران با شرکت چيني سانيويک قرارداد منقد نموده
مجموع	عراق	۲۹۵ هزار بشکه		۱۳۰ هزار بشکه			عراق پروژه ها را از طريق مناقصه واگذار مينمايد.توليد افزايش مي يابد
اسفنديار	عربستان لولو	۵۳۲ هزار بشکه	برداشت صوت نگرفته	برداشت صوت نگرفته		ايران با شرکت مالزايي	ايران در مرحله اول ۱۰ هزاربشکه مرحله دوم ۲۰ هزاربشکه
فرازادA فرازادB	عربستان	۲۰۵ تریلیون فوت مکعب گاز				ايران با کسرسيوم هندی	علايرغم مذاکرات طولانی به نتیجه نرسيد حجم سرمايه گذاری ۵میلیارد برآورد شده



میدان مشترک	کشور	دخاير	برداشت رقيب	برداشت ايران	ميزان توليد	شرکت	توضیحات
فروزان	عربستان	۲۰۹ میلیارد بشکه نفت خام			اهداف ايران در اينده ۶۵ هزار بشکه - ۲۵۸ ميليون فوت مکعب	ايران با شرکت سابيم هندقار دالمعقد نمود	ساخت تاسيسات دريايي و ایجاد خطوط لوله
مجموع	عربستان		۲۵۰ هزار بشکه	۲۳ هزار بشکه			
هنگام	عمان	۷۰۰ ميليون بشکه - ۲ تريليون فوت مکعب	۱۰ هزار بشکه	۲۰ هزار بشکه		عمان با شرکت انگليسي	۸۰ درصد ميدان هنگام در آبهاي ايران قرار گرفته - اين ميدان تنها است که با اطمینان می توان از جلو بودن برداشت ايران از کشور شریک خبر داده اند
آرش	کویت	۳ تريليون فوت مکعب		ايران با کويت به توافق نرسيد در ۲۰۰۱ کويت مانع از عمليات و اکتشاف و حفر چاه از سوی ايران شد		در مرحله لوزه نگاري آن صورت گرفته به مرحله توليد نرسیده	عربستان و کويت بر سر بهره برداري مساوي از ذخاير گازی به توافق رسيدند کويت و عربستان سرمايه گذاري مشترک آرالمکو عربستان و شرکت خليج کويت بهره برداري صورت گرفته
سلمان - گاز	امارات	۱۸۳۵ ميليون متر مکعب گاز					۶۷ درصد ميدان سلمان در بخش ايراني و ۳۳ درصد در بخش امارات





توضیحات	شرکت	میزان تولید	بوداشت ایران	بوداشت رقیب	ذخایر	کشور	میدان مشترک
تزریق فراون آب از سوی امارات به این میدان طرح توسعه برای افزایش تولید از این میدان در حال حاضر غیراقتصادی ارزیابی شده		در سال ۷۰-۳۳ هزار بشکه				امارات	فرازام
			۴۰۰۰ بشکه در روز - در سال ۸۷-۲ هزار بشکه ۸۹			امارات	نصرت
ایران در سال ۸۹ اعلام کردند در دستور کار قرار گرفته						امارات	مسلم - ساتر
			۶ هزار بشکه	۱۳۶ هزار بشکه		امارات	مجموع

جدول شماره دو

Table 2 - post 1999 major investment /major development projects

تاریخ	حوزه / پروژه	شرکت ها / موقعیت آنها	ارزش	میزان
۱۹۹۹، فوریه	نفت درود آژانس اطلاعات انرژی و بخش انرژی اگوست ۲۰۰۶ کمیته توتال و eni مستثنی تحریم ها در ۲۰ سپتامبر تعهد به خروج ایران از بازار	Total (France)/ENI ایتالیا	\$ ۱ میلیارد	۲۵۰،۰۰۰ بشکه در روز
۱۹۹۹، آوریل	Batal (oil میدان توسعه ای بلال در ایران به اتمام رسید	-ENI ایتالیا - توتال ابو ولی - روئال داچ شل - هلند	\$ ۳۰۰ میلیون	۴۰۰۰۰
۱۹۹۹، نوامبر	نفت سروش و نوروز	نورسک هیدرو - استات ایل (نروژ) - گاز پروم ولوک ایل (روسیه) که الان تولید نمی شود و استات ایل و نورسک پروژه را رها نمودند	\$ ۱۰۵ میلیون	۶۵۰۰ بشکه در روز
۲۰۰۰، آوریل	نفت انازان کشورهای همجسته			
۲۰۰۰، جولای	غاز پارس جنوبی - گاز پترولیوم اکونومیست از دسامبر ۲۰۰۴ eni مستثنی از ۳۰/۹ براساس تعهد به خروج ایران از بازار	ENI ایتالیا گاز - دسامبر ۲۰۰۴	\$ ۱۰۹ میلیارد	۳ میلیارد فوت مکعب در روز
۲۰۰۱، مارچ	اکتشاف نفت دریای خزر ایجاد دکل برای حفاری در زیر دریایی برای طرف ایرانی	GVA سوئد	\$ ۲۲۵ میلیون	

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال بیستم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۲

تاریخ	حوزه / پروژه	شرکت ها / موقعیت آنها	ارزش	میزان
اکتبر ۲۰۰۴	نفت باوران آغاز رسمی توسعه میدان نفتی از سپتامبر ۲۰۱۱ هنوز به تأخیر افتاده	سینوپک چین معامله را تمام کرد در ۹ سپتامبر ۲۰۰۷	۲ میلیارد \$	۳۰۰۰۰۰ بشکه در روز
۲۰۰۵	نفت ساوه	Pit تا بلند	؟	؟
ژوئن ۲۰۰۶	نفت گرمسار قراردادش نهایی شد در ژوئن ۲۰۰۹ (سینوپک چین قرارداد را امضا کرد برای توسعه بلوک نفتی در ایران)	سینوپک - چین سینوپک - چین	۲۰ میلیون \$	؟ توسعه برای تولید ۲۵۰۰۰۰ بشکه در روز
جولای ۲۰۰۶	توسعه پالایشگاه اراک	سینوپک - چین - GC اراک ممکن است به عهده توسط صنایع بزرگ هیوندای کره جنوبی گرفته شود	۹۵۹ میلیون \$ توسعه مقدماتی	
سپتامبر ۲۰۰۶	خرم آباد - نفت	نورسک هیدرو - استاتا اوبل - تروژ	۴۹ میلیون \$	؟
دسامبر ۲۰۰۶	اطلاعات برآکنده جمع آوری شده اما برای تولید برنامه ریزی نشده است میدان گازی پارس شمالی - (گاز افشیره) شامل گاز خریداری شده از پروژه در اوایل یا اواسط ۲۰۱۱ کنار می رود طبق گزارش کارکنان.	کمپانی بین المللی نفت افشیره - چین	۱٫۶ میلیارد \$	۳٫۶ میلیارد فوت متر مکعب
فوریه ۲۰۰۷	مخزن LNG در بندر تمشاک قرارداد برای ساخت ۳ مخزن LNG در تمشاک و ۳۰ تانک شمال بندر عسلویه	دبلیو کره جنوبی	۳۲۰ میلیون \$	ظرفیت ۲۰۰۰۰۰ تن



تاریخ	حوزه / پروژه	شرکت ها / موقعیت آنها	ارزش	میزان
فره ۲۰۰۹	ضرب الاجل نهایی کردن در ۲۰۰۹، اظهاراً مناسب نیست شرکتها پیشنهادهای تجدیدنظر ربه ایران تسلیم کردند در ژوئن ۲۰۰۹ دپارتمان دولتی در ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۹ گفت که رویال داچ شل وریسول مذاکره با ایران را خاتمه دادو این پروژه را با ایران بیش از این دنبال نخواهد کرد.	کمپانی رویال داچ شل ریسول اسپانیا	۴۳ میلیارد \$	۹
مارچ ۲۰۰۷	پیمود پالایشگاه اصفهان دیپیم و دیگران کیفیت پالایشگاه اصفهان را بالا می برند.	دیپیم - کره جنوبی	۹	۹
جولای ۲۰۰۷	فاز ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ پارس جنوبی گاز خط لوله برای انتقال گاز ایران به ترکیه و به اروپا وساختن ۳ نیروگاه برق در ایران قرار دادهوز تا امروز نهایی نشده است.	کمپانی ترکیش پترولیوم - TPAO	۱۲ میلیارد \$	۲ میلیارد فوت مکعب
دسامبر ۲۰۰۷	گلشهر وفردوس واقع در ساحل و میلان گازی افسره و کارخانه LNG قرارداد متعادل شد اما دوباره تصویب شد.	SKs وینچرز مازی	۱۶ میلیارد \$	۳۴ میلیارد فوت مکعب
۲۰۰۷	میلان نفتی جقیر بلا روس نفت شرکت بلنفت خیم در مارچ ۲۰۱۱ تحریم شد. نفت ایران در سپتامبر ۲۰۱۱ تحریم شد برای این منظور وبقیه فعالیت هایش ناتمام ماند.	بلا روس نفت تحت قرارداد با نفت ایران هیچ تولیدی تا الان نداشته.	۵۰۰ میلیون \$	۴۰۰۰۰ فوت مکعب
۲۰۰۸	دبیر (خلیج فارس - افسره نفت)	اریسول ایتالیا	۴۴ میلیون \$	۹

تاریخ	حوزه / پروژه	شرکت ها / موقعیت آنها	ارزش	میزان
فوریه ۲۰۰۸	میلان لاوان (افتش ره گاز طبیعی) سرمایه گذاری PGNIG تاخیر موجب شد که ایران قرارداد باطل کند در دسامبر ۲۰۱۱ پروژه به وسیله شرکت های ایرانی اجرا می شود.	PGNIG کمپانی نفت و گاز لهستان	۲ میلیارد \$	؟
مارچ ۲۰۰۸	میلان دافان PVEP مزایده را بر روی توسعه میدان دافان سواحل نفتی	پترو ویتنام کمپانی تولید و استخراج (ویتنام)	؟	؟
آوریل ۲۰۰۸	میلان گازی کیش ایران شامل خط لوله از ایران به عمان	عمان پروژه سرمایه گذاری	۷ میلیارد \$	۱ میلیارد فوت مکعب
آوریل ۲۰۰۸	مغان ۲ (نفت و گاز واقع در استان اردبیل)	INA کرویتا	۴۰-۱۴۰ میلیون \$ (اختلاف با حجم)	؟
-	کارخانه پتروشیمی کرمانشاه (ساختار جدید) GAO	UHDE آلمان	-	۳۰۰۰۰۰ مترتق در سال
ژانویه ۲۰۰۹	آزادگان شمال CNCP برای توسعه میدان نفتی آزادگان	CNCP چین	۱۷۵ میلیارد \$	۷۵۰۰۰ بشکه



تاریخ	حوزه / پروژه	شرکت‌ها / موقعیت آنها	ارزش	میزان
ژانویه ۲۰۰۹	کارخانه پلیمر بوشهر تولید پلی اتیلن در دو کارخانه پلیمر استان بوشهر	ساسول افریقای جنوبی	۹	ظرفیت در این میدان یک میلیون تن در هر سال و تولیدات از ایران صادر می‌شود
مارچ ۲۰۰۹	فاز ۱۲ پارس جنوبی گاز پخش ۱ شامل ساختمان ترمیتال LNG، فوژراد-B، بلو ک گاز طبیعی، پروژه متوقف شد. با توجه به تحریم‌ها ONGC و هیندوچا با مشکلات اقتصادی در پروژه مواجه بود	انجام پروژه توسط کارخانه‌های هندی ONGC مسئولیت محدود هندوچا، پترونت در سال ۲۰۰۷- سونانگل (انگو) ۲۰ درصد سرمایه و pdivsa و نونوفا را شامل می‌شود.	۸ میلیارد دلار شرکت‌های هندی - ۱٫۵ میلیارد دلار سونانگل - ۷۸۰ میلیون دلار Pdivsa	۳۰ سالانه تا ۲۰۱۲
آگوست ۲۰۰۹	پالایشگاه آبادان ساخت یک پالایشگاه جدید/ بهسازی و گسترش در تنگه هرمز واقع در ساحل خلیج فارس	سینوپک	تا ۵ میلیارد دلار پالایشگاه ساخته شد	





تاریخ	حوزه / پروژه	شرکت ها / موقعیت آنها	ارزش	میزان
آگوست ۲۰۰۹	پالایشگاه آبادان ساخت یک پالایشگاه جدید/ بهسازی و گسترش در تنگه هرمز واقع در ساحل خلیج فارس	سینوپک	نام میلیارد \$ پالایشگاه ساخته شد	
اکتبر ۲۰۰۹	میدان گازی پارس جنوبی- فازهای ۸و تجهیزات کارخانه شیرین کن گاز - مذاکرات CRS گروه اعزامی از کره جنوبی درواشنگتن در تاریخ جولای ۲۰۱۰الانجام و قراردادامضا شداما بعد توسط شرکت کره ای لغو شد.	کمپانی مهندسی وساخت GS کره جنوبی	۱,۴ میلیارد \$	
نوامبر ۲۰۰۹	پارس جنوبی فاز ۱۲ بخش ۳و ۲ایتالیا کره جنوبی برای توسعه فاز ۲پارس جنوبی	بخش دوم - کمپانی دبلیوم کره جنوبی بخش سوم - کمپانی تکنیونیت ایتالیا	۴ میلیارد \$ هر بخش ۲ میلیارد \$	
فوریه ۲۰۱۰	پارس جنوبی فاز ۱۱ حفاری در مارس ۲۰۱۰ آغاز شد و حفاری تا سپتامبر ۲۰۱۱ به تاخیر افتاد	CNPC چین	۴,۷ میلیارد \$	
۲۰۱۱	میدان گازی آذر قرارداد گاز پروم ابطال شد در اواخر ۲۰۱۱ توسط ایران به خاطر عدم تصریح مهلت انعضای انجام تعهد	گاز پروم روسیه		
دسامبر ۲۰۱۱	میدان نفتی رافقه معاملات اولیه در ۱۸ دسامبر ۲۰۱۱ امضا شده	تتفت روسیه	۱ میلیارد \$	۵۵۰۰۰ بشکه در روز

منابع و پی‌نوشت‌ها:

۱. اسرافیلی دیزجی، بهروز (۱۳۸۹)، *مخازن نفتی و گازهای مشترک ایران با کشورهای همسایه در حوزه زاگرس*.
۲. حلیم زمهریر، ابوالفضل و سعید میرزایی فرد (۱۳۸۹)، «اهمیت ژئواکونومیک ایران برای اتحادیه اروپا و مساله تحریم‌ها»، مجموعه مقالات نفت و سیاست خارجی، پژوهشکده تحقیقات راهبردی، تهران: نشر آیین گستر، چاپ اول.
۳. چرچیل، رابین آلن (۱۳۸۳)، *حقوق بین‌الملل دریاها*، بهمن آقایی، تهران: نشر گنج دانش.
۴. رسانه خبری تحلیلی نفت، گاز و انرژی، (۶/۵/۹۱) مدیریت استراتژیک در میادین مشترک، بخش سوم.
۵. ذوقی، ایرج (۱۳۸۷)، *نفت ایران، مسائل سیاسی اقتصادی*، تهران: نشر دانش پرور.
۶. رحیمی، غلامعلی (۱۳۸۶)، *نگاهی به صنعت در جهان*، تهران: موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.
۷. زهرانی مصطفی (۱۳۸۹)، «تحریم علیه جمهوری اسلامی ایران، جایگزین جنگ یا مؤلفه اصلی مهار»، فصلنامه روابط خارجی، سال ۲، شماره ۴.
۸. سعادت، رحمان و داریوش عیوضی (۱۳۸۹)، «اثر تحریم بر صنعت نفت ایران»، مجموعه مقالات نفت و سیاست خارجی، پژوهشکده تحقیقات راهبردی، نشر آیین گستر، چاپ اول.
۹. کاشانی، جواد (پاییز و زمستان ۱۳۸۷)، «وضعیت حقوقی منابع نفت و گاز در مرز بین کشورها»، مجله حقوقی بین‌المللی، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شماره ۳۹.
۱۰. کاشانی، جواد (۱۳۸۹)، *منابع نفت و گاز مشترک از منظر حقوق بین‌الملل*، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۱۱. کاشانی، صادق (۱۳۸۸)، *توسعه میادین نفت و گاز، ساختارها و رویکردهای اجرا پروژه*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۲. میر ترابی، سعید (۱۳۸۵)، *مسائل نفت ایران*، تهران: نشر قومس.
۱۳. نفت تایمز (۲۰۰۸/۵/۲۱)، به نقل از مهندس مجید صفاری نیا، معاون آموزش و آگاه‌سازی سازمان بهره‌وری انرژی ایران.
۱۴. نوازی، بهرام و احسان نجومی (فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۷)، «الگوی حقوقی برداشت از مخازن مشترک هیدروکربنی خلیج فارس»، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۴۷-۲۴۸.
۱۵. نوروزی محمد (۱۳۹۱)، *گفتارهای عمومی درباره مسائل نفت ایران*، تهران: انتشارات انجمن علمی دانشجویان معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
۱۶. واعظی، حسن (۱۳۷۹)، *ایران و آمریکا، بررسی سیاست‌های آمریکا در ایران*، تهران: انتشارات سروش.
۱۷. والنستین پیتر (۱۳۸۶)، *اثر بخشی تحریم‌های هدفمند راهبردهای اجرایی گزینه‌های سیاستی سازمان ملل*، ترجمه مصطفی آذری، تهران: انتشارات موسسه تدبیر اقتصاد.
18. Aegean Sea Continental Shelf Case (Greece V. Turkey), *Request for the Indication of Interim Measure Protection*, ICJ Order 11 September 1976, ICJ Report, 3.
19. Beverly J. Rudy, *The Future of U.S. Unilateral Sanctions and the Iran-Libya Sanctions Act*.
20. [Persian] Gulf, Reaseach Paper, the United Nation- Nippon Foundation Fellowship Programme- Max Planck Institue .
21. Jentleson, Bruce W. (2009), *Sanctions against Iran: Key Issueses*, The Century Foundation, Inc 2007.
22. Katzman, keneth, *The Iran Sanctions Act* (ISA).